

تحلیلی بر روند مهاجرت در استان اصفهان در طی سال های ۸۵-۱۳۷۵

دکتر حمید رضا وارثی^۱

ملیحه ایزدی^۲

چکیده

موضوع مهاجرت و چگونگی توزیع مجدد جمعیت در هر منطقه از مهمترین عواملی هستند که سیاستگذاران و برنامه ریزان جامعه برای هدایت و کنترل جمعیت به بخش های مختلف اقتصادی باید به آنها توجه داشته باشند. هدف از این مقاله تعیین نقش مهاجرت در تغییرات جمعیتی استان و شناخت شهرستان های مهاجر پذیر و مهاجر فرست از لحاظ میزان خالص مهاجرت مورد بررسی است. جامعه آماری پژوهش شامل شهرستان های استان اصفهان براساس آمار سال ۱۳۸۵ است، که با توجه به مؤلفه های مورد بررسی، روش پژوهش «توصیفی-تحلیلی» می باشد و در نهایت با استفاده از Arc view نقشه شدت و جریان های مهاجرتی استان ترسیم گردیده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که مهاجران وارد شده به استان در طی دهه ۸۵-۱۳۷۵ به شدت افزایش یافته است. به طوری که از مجموع ۵۰۵۷۳۶ نفر مهاجران وارد شده به استان، ۵۵/۲ درصد از سایر استان های کشور بوده است. همچنین در این مدت از مجموع ۴۳۵۴۴۱ نفر مهاجر خارج شده از استان، ۵۳/۱ درصد به سایر استان های کشور مهاجرت کرده اند. با توجه به خالص مهاجرت شهرستان های استان در دوره ۸۵-۱۳۷۵، شهرستان برخوار و میمه با خالص مهاجرتی ۵۲۷۷۹+ نفر بیشترین میزان مهاجر پذیری را به خود اختصاص داده است و شهرستان اصفهان و فریدن به ترتیب با خالص مهاجرتی ۲۰۲۵۶- و ۱۰۹۷۰- نفر به عنوان مهاجر فرست ترین شهرستان های استان شناخته شده است.

واژگان کلیدی:

روند مهاجرت، خالص مهاجرت، استان اصفهان، مهاجرت به داخل، مهاجرت به خارج.

۱- عضو هیئت علمی گروه جغرافیا دانشگاه اصفهان

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه اصفهان

مقدمه

پدیده مهاجرت بویژه در کشورهای در حال توسعه یک مشکل و معضل اجتماعی و دارای پیامدهائی متفاوت است. فرایند مهاجرت امری پیچیده است که نه تنها حجم و رشد جمعیت یک جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد، بلکه تغییرات قابل ملاحظه ای را در ساخت و توزیع جمعیت ایجاد می کند. انباشته شدن ثروت و درآمد در شهرهای بزرگ که موجب مهاجرت روستاییان در شهرها می گردد، سبب ایجاد تغییراتی عمیق در شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مهاجران، و در مجموع هر دو جامعه شهری و روستایی می گردد. در حقیقت مهاجرت می تواند در راستای دستیابی به هدف های فرهنگی نظیر کار بهتر، کسب درآمد بیشتر، برخورداری از تحصیلات عالی، بهره مند شدن از امکانات رفاهی و تفریحی شهرهای بزرگ صورت گیرد. (اصلائی، ۱۳۸۵: ۶۱).

بنابراین مهاجرت تحت عنوان یک فرایند می تواند ناشی از تنگناهایی باشد که قسمتی از آن به ویژگیهای وضعیت محلی و قسمتی دیگر با فرصتهای شغلی و تسهیلات آموزشی - بهداشتی که مراکز شهری عرضه می دارند، بستگی داشته باشد (سجادی و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۸). نظری معتقد است که مهاجرت یکی از پدیده های جمعیت شناختی و یکی از جنبه های تحلیل جمعیت است، پدیده ای که به نقل و انتقال سکونت انسان از مکانی به مکان دیگر مربوط می شود (نظری، ۱۳۷۳: ۱۶۵).

با توجه به مطالب بیان شده، استان اصفهان در دهه های گذشته به دلیل شرایط مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از جمله افزایش زیر ساخت های صنعتی و امکانات رفاهی - خدماتی، با نقل و انتقالات شدید جمعیتی روبرو شده است. در این راستا با توجه به لزوم بررسی پدیده مهاجرت به منظور پیش بینی حرکت های جمعیتی و تدوین سیاست های توسعه، در پژوهش حاضر سعی شده است که روند مهاجرتی استان اصفهان از نظر مهاجرت های میان استانی، مهاجرت های داخل استان و توزیع مهاجران در سطح استان در طی دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵ مورد بررسی قرار گیرد.

۱- مبانی نظری پژوهش

مهاجرت در لغتنامه جمعیت شناسی سازمان ملل چنین تعریف شده است: مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا تحرک مکانی انسان هاست که بین دو واحد جغرافیایی صورت می گیرد. که این جابجایی می تواند به صورت دائمی یا تقریباً دائمی باشد (زنجان، ۱۳۷۸: ۲۱۲). برلسون^۱ چهار دسته عوامل اقتصادی، سیاسی، محیطی و اجتماعی را در تغییرات جمعیتی مؤثر می داند. « این

عوامل در کنش متقابل با متغیرهای جمعیتی یعنی حجم جمعیت، ترکیب جمعیت و توزیع مکانی جمعیت در شکل دهی به کیفیت زندگی جمعیت مؤثرند. از این رو درک روابط علی بین عوامل اجتماعی، فرهنگی و متغیرهای جمعیتی در شکل دهی به سیاست های جمعیتی ضروری است» (Berelson, 1972:271).

جان جکسون معتقد است مهاجرت، حرکتی موقتی یا دائمی یک جمعیت از یک مکان فیزیکی به یک مکان فیزیکی دیگر می باشد (Jackson, 1980:2). مهاجرت عموماً حرکت جمعیت از منطقه کم توسعه به طرف منطقه پیشرفته است. بعضی آن را جابجایی نیروی کار (مثلاً روستائیان) به طرف شهر یا از یک شهر به شهر دیگر، به مادر شهر و غیره و حتی از یک روستا به روستای دیگر می دانند (تقوی، ۱۳۵۷: ۳۴). در تعریف دیگر، مهاجرت، تغییر مکان دائمی یا موقتی تلقی می شود و هیچ گونه محدودیتی به مسافت یا اختیاری و اجباری بودن ماهیت این عمل و هیچ گونه تفاوتی بین مهاجرت دائمی و خارجی وجود ندارد (معصومی اشکوری، ۱۳۷۶: ۶۰).

دکتر لهسایی زاده معتقد است که اصولاً مهاجرت، یک انتقال اصلی از ساخت مرکزی جامعه است که در آن مردم از اجتماعات کوچکتر کشاورزی به اجتماعات بزرگتر و عمدتاً غیر کشاورزی حرکت می کنند (لهسایی زاده، ۱۳۶۸: ۱۵۰).

به تعبیری دیگر مهاجرت فی نفسه پدیده ای است سازنده که از پویایی یک جامعه حکایت دارد. لیکن مهاجرت بی رویه به عنوان یک ناهنجاری اجتماعی و اقتصادی نتیجه اجرای سیاستهای ناهماهنگ غلط در زمینه های اقتصادی، سیاسی، اکولوژیکی و... است که موجب تخریب و انهدام بخش های مختلف یک کشور می گردد (جوان، ۱۳۶۷: ۲۰۹). این پدیده نتیجه و حاصل فرایند تعامل انسان با محیط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است که طی آن انسان به ایفای نقش های اجتماعی خود می پردازد. علل مهاجرت متفاوت است و با انواع مهاجرت متناسب با بیکاری، فقر عمومی، کاربری اراضی، امکانات شهری، کسب پایگاههای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، رشد سریع جمعیت و محدودیت زمین های کشاورزی، خرده مالکی، تفاوت درآمد بین ساکنان شهری و روستایی در ارتباط است. نامکفی بودن اعتبارات کشاورزی و سیاست های موجد نابرابری زمینه ساز این مهاجرت ها می باشند (مشهدی زاده، ۱۳۷۳: ۱۱۲). در ارتباط با مهاجرت نظریه های مختلفی مطرح شده است که در این پژوهش به برخی از آن ها اشاره می شود:

الف) نظریه کارکرد گرایی: در این دیدگاه مسأله مهاجرت از جنبه های کارکردهای اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد. به طوری که در این دیدگاه پیامدها را از علل جدا می کند و پیامدهای اجتماعی که خود معلول است را به عنوان عاملی در بروز مهاجرت در نظر می گیرد.

ب) مدل دو بخشی آرتور لویس: براساس مدل مزبور، انتقال نیروی کار و رشد اشتغال در بخش نوین شهری توسط سرمایه گذاری حاصل از سود بخش نوین امکان پذیر می شود و سطح دستمزدها در بخش صنعتی شهری ثابت و بالاتر از بخش معیشتی روستایی است (پناهی و پیشرو، ۱۳۹۰: ۴۳-۴۲).

ج) نظریه عوامل میانی اورت. اس.لی: به نظر لی، حجم مهاجرت نسبت معکوس با میزان غلبه بر موانع مداخله کننده دارد. در نتیجه در جاهایی که نتوان بر موانع مداخله کننده غلبه کرد، رضایتمندی از مهاجرت کمتر می شود و ممکن است به مهاجرت مجدد یا مهاجرت برگشتی منجر گردد. بر این اساس، نیز می توان متغیرهای رفتار مردم شهر مقصد، داشتن اقوام در مقصد را بطور مستقیم و متغیر فاصله بین مبدا و مقصد را بطور غیرمستقیم نتیجه گرفت.

د) نظریه هومنز: هنگامی که جامعه مبدا از امکانات رفاهی و خدماتی و اقتصادی مناسبی برخوردار نباشد، شخص مهاجر خواهان اقامت بیشتر در جامعه مقصد است و از امکانات خدماتی و رفاهی موجود در مقصد رضایت دارد (زاهد و خورشیدی، ۱۳۹۰: ۵۷). در این راستا مطالعه پدیده مهاجرت از روستا به شهر زمانی از ارزش و اعتبار علمی برخوردار می شود که بتواند از روش سیستمی نهایت استفاده را به عمل آورد.

راونشتاین^۱ قواعدی را برای مهاجرت به شرح ذیل مشخص نموده است:

۱- عوامل اقتصادی مهمترین عامل برانگیزنده مهاجرت هاست، اگر چه عوامل اجتماعی و فرهنگی دیگری نیز مؤثر واقع می شوند.

۲- در اغلب موارد مهاجرت به صورت مرحله ای اتفاق می افتد یعنی مهاجرت از روستا به شهرهای نزدیکتر و کوچکتر و سپس به شهرهای بزرگتر و قطب های صنعتی و خدماتی انجام می گیرد.

۳- علاوه بر جریان غالب مهاجرت از روستاها به نقاط شهری و از شهرهای کوچک به بزرگ، جریان وارونه ای (اگر چه ضعیف) از مهاجرت از شهرها به نقاط روستایی وجود دارد.

۴- رابطه مستقیمی بین ارتباطات و مهاجرت وجود دارد.

۵- شدت مهاجرت بین دو نقطه با فاصله آن دو، رابطه معکوس دارد (زنجانی، ۱۳۸۰، ۱۳۲).

مهاجرت ها از نظر مدت زمان نیز متفاوتند و انواعی را تشکیل می دهند که عبارتند از:

الف- دائمی و همیشگی؛

ب- موقتی مثل: مهاجرت های جمعیت های عشایری؛

ج- بین المللی که به دلایل اقتصادی انجام می گیرد.

ه- داخلی در درون یک کشور که بستگی به توسعه اقتصادی و مراکز اشتغال شهری دارد؛ (ربانی، ۱۳۸۵: ۱۷)

مهاجرت از یک دیدگاه می تواند به دو نوع مهاجرت های داخلی و مهاجرت های بین المللی تقسیم شود. مهاجرت های داخلی در درون مرزهای یک سرزمین انجام می شود و به دو دسته مهاجرت های درون استانی و مهاجرت های میان استانی تقسیم می شود. اگر مهاجرت در درون شهرستان های یک استان انجام گیرد، مهاجرت درون استانی و اگر از یک استان به استان دیگر انجام شود، مهاجرت میان استانی است. هر یک از اشکال فوق می تواند به صورت مهاجرت ناخالص یعنی مجموع برون کوچان و درون کوچان و مهاجرت خالص یعنی تفاضل مهاجران وارد شده به یک محل و مهاجران خارج شده از آن محل اندازه گیری شود (کشتکار، ۱۳۸۵: ۲).

۲- روش پژوهش:

با توجه به مؤلفه های مورد بررسی، روش پژوهش تاریخی، توصیفی و تحلیلی می باشد. جامعه آماری، شهرستان های استان اصفهان طی سال ۱۳۷۵-۱۳۸۵ براساس تقسیمات اداری -سیاسی است. داده های مورد نیاز از سرشماری عمومی نفوس و مسکن و سالنامه های آماری جمع آوری گردیده، آنگاه تبدیل و تحلیل داده ها به آمارهای قابل استفاده و تهیه نقشه با بهره گیری از نرم افزارهای excel, Arc view مورد ارزیابی گردیده است و سپس راهکارهای مناسب جهت متعادل سازی جمعیت استان ارائه شده است.

۳- محدوده مورد مطالعه:

استان اصفهان با مساحت ۱۰۷۰۲۹ کیلومتر مربع و داشتن ۶/۵ درصد از مساحت کل کشور از بزرگترین و مهمترین استان های کشور در بخش مرکزی ایران می باشد. این استان از شمال به استان های سمنان، قم و مرکزی، از شرق به استان یزد، از جنوب به استان فارس و از غرب به استان های لرستان و چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد محدود می شود. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۸۵ استان اصفهان دارای ۲۱ شهرستان، ۹۲ شهر، ۴۴ بخش، ۱۲۲ دهستان و بالغ بر ۱۹۳۴ آبادی دارای سکنه می باشد. از نظر طبیعی نیز استان به دشت کویر در شرق و شمال و رشته کوه های زاگرس (که مانند سدی از شمال غربی تا جنوب شرقی کشور کشیده شده) در غرب و جنوب محدود شده است که این موقعیت طبیعی، از یک طرف محدودیت ها و از طرف دیگر پتانسیل ها و مزیت هایی برای استان فراهم نموده است (نوری زمان آبادی، ۱۳۸۶، ۱۰-۸).

۴- روند مهاجرت در استان

کنش متقابل دو عنصر انسان و محیط، ترکیب عقلانیت و خلاقیت جزء توانمندی های انسان است که چنانچه در جایگاه خود و به صورت سازمان یافته فعال شود به کمال انسان و رونق زندگی اجتماعی او می انجامد و فرآیند مهاجرت نیز در تمامی جوامع با این دو عنصر مرتبط است (اکبری فنجی، ۱۳۸۲: ۱۱). لذا مهاجرت قطعاً نتیجه برخورد عوامل جذب کننده و دفع کننده محیطی است و این واقعیت همواره مورد توجه اندیشمندان بویژه جغرافیدانان بوده و هست. انسان در تعامل و کنش با محیط جغرافیایی زندگی خویش با عوامل مثبت و منفی متعددی روبروست که با ارزیابی این عوامل بسته به تراز حاصل از این موازنه تصمیم به ادامه اقامت یا ترک محل سکونت خویش به مقصد سرزمین های جدید می گیرد. زیرا شرایط و موقعیت هر محیط و عوامل جاذب و دفع آشکار و پنهان آن می تواند اصلی ترین عامل و انگیزه در انجام مهاجرت ها باشد (بیک محمدی، ۱۳۷۸: ۷۶).

۴-۱- مهاجرت های میان استانی در طی سال های ۱۳۸۵-۱۳۷۵

قرار گرفتن استان اصفهان در مرکز کشور و مرتبط بودن آن با دیگر نقاط و قطب های اقتصادی، اجتماعی باعث گردیده است که شرایط این استان از نظر حرکات جمعیتی و مهاجرت های داخلی با بسیاری از استان های دیگر تفاوت داشته باشد. در مقایسه ی ویژگی های جمعیتی استان در سال ۷۵ به نسبت سال ۸۵ مشخص می گردد که جمعیت شهری استان در این دوره ی ده ساله با نرخ ۲/۶۸ درصد افزایش یافته است. همچنین جمعیت روستایی استان در این دوره با متوسط رشد منفی سالیانه ۲/۷۸ درصد کاهش یافته است. ولی کل جمعیت استان با نرخ رشد ۱/۵۱ درصد افزایش یافته است که این رشد نسبت به سال ۷۵ (۱/۶۲ درصد) اندکی کاهش داشته است. نسبت زنان به مردان در طول این دهه تقریباً ثابت بوده است. (مردان ۵۱/۳ درصد و زنان ۴۸/۸ درصد) براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، در طی دهه ۸۵-۱۳۷۵، مجموعاً ۴۳۵۴۴۶ نفر در استان اصفهان محل سکونت خود را ترک و در محلی غیر از شهرستان محل اقامت قبلی خود ساکن شده اند. از این تعداد ۲۰۴۳۸۶ نفر (۴۶/۹ درصد) در یکی از شهرستان های دیگر استان سکونت کرده اند و ۲۳۱۰۶۰ نفر بقیه (۵۳/۱ درصد) به سایر استان های کشور مهاجرت کرده اند.

همچنین در این مدت، ۵۴۶۳۹۸ نفر مهاجران وارد شده می باشند. از این تعداد، محل اقامت قبلی ۳۰۱۷۶۳ نفر (۵۵/۲ درصد) استان های دیگر کشور و ۲۰۴۳۸۶ نفر (۳۷/۴ درصد) یکی از شهرستان های دیگر استان، ۳۴۴۵۵ نفر (۶/۳ درصد) خارج از کشور بوده است و ۵۷۹۵ نفر (۱/۱ درصد) نیز محل اقامت قبلی خود را اظهار نکرده اند.

طبق جدول شماره (۱) که بررسی وضعیت مهاجرتی استان اصفهان را نشان می دهد، استان اصفهان به ترتیب از استان های تهران (۲۱/۷ درصد)، خوزستان (۲۰/۹ درصد)، چهار محال و بختیاری (۲۱/۴ درصد)، فارس (۷/۳ درصد)، و لرستان (۴/۰ درصد) بیشترین تعداد مهاجران را داشته است. همچنین این بررسی نشان می دهد، خارج شدگان از استان عمدتاً به استان های تهران، خوزستان، چهار محال و بختیاری، فارس و یزد مهاجرت کرده اند. ۳۴/۵ درصد استان تهران، ۸/۹ درصد استان خوزستان، ۸ درصد استان چهار محال و بختیاری، ۶/۵ درصد استان فارس و ۴/۳ درصد استان یزد را برای سکونت انتخاب کرده اند.

جدول شماره (۱) مهاجرت استان اصفهان در طی سال های ۱۳۸۵-۱۳۷۵

ردیف	استان	وارد شدگان به	خارج شدگان از	مهاجرت خالص
۱	آذربایجان شرقی	۲۹۷۹	۲۷۷۳	۲۰۶
۲	آذربایجان غربی	۲۸۳۱	۲۶۸۵	۱۴۶
۳	اردبیل	۶۸۹	۱۰۱۸	-۳۲۹
۴	اصفهان	-	-	-
۵	ایلام	۱۰۸۸	۱۲۴۸	-۱۶۰
۶	بوشهر	۷۰۳۳	۶۳۹۱	۶۴۲
۷	تهران	۶۵۵۹۳	۷۹۸۱۰	-۱۴۲۱۷
۸	چهارمحال و بختیاری	۳۷۴۱۴	۱۸۴۴۳	۱۸۹۷۱
۹	خراسان رضوی	۹۷۸۳	۹۴۶۵	۳۱۸
۱۰	خراسان شمالی	۵۰۶	۶۴۴	-۱۳۸
۱۱	خراسان جنوبی	۸۵۶	۵۳۰	۳۲۶
۱۲	خوزستان	۶۲۹۴۶	۲۰۶۷۳	۴۲۲۷۳
۱۳	زنجان	۶۶۹	۱۲۹۳	-۶۲۴
۱۴	سمنان	۱۳۱۲	۱۵۴۰	-۲۲۸
۱۵	سیستان و بلوچستان	۴۶۲۰	۱۸۸۸	۲۷۳۲
۱۶	فارس	۲۲۱۱۶	۱۴۹۸۶	۷۱۳۰
۱۷	قزوین	۱۵۴۲	۱۷۲۸	-۱۸۶
۱۸	قم	۹۵۵۵	۸۳۴۷	۱۲۰۸
۱۹	کردستان	۲۲۵۳	۱۰۶۳	۱۱۹۰
۲۰	کرمان	۸۵۱۶	۴۷۵۲	۳۷۶۴
۲۱	کرمانشاه	۷۲۷۵	۳۷۰۱	۳۵۷۴
۲۲	کهگیلویه و بویراحمد	۵۶۱۴	۲۶۵۶	۲۹۵۸
۲۳	گلستان	۱۳۵۲	۲۳۷۹	-۱۰۲۷
۲۴	گیلان	۳۳۶۹	۵۱۵۷	-۱۷۸۸
۲۵	لرستان	۱۲۱۹۸	۵۵۹۴	۶۶۰۴
۲۶	مازندران	۴۰۱۰	۵۴۵۶	-۱۴۴۶
۲۷	مرکزی	۷۰۸۲	۹۱۲۴	-۲۰۴۲
۲۸	هرمزگان	۷۴۷۷	۵۰۷۴	۲۴۰۳
۲۹	همدان	۳۲۷۱	۲۷۲۱	۵۵۰
۳۰	یزد	۶۴۵۸	۹۹۲۱	-۳۴۶۳
	خارج از کشور	۳۴۴۵۵	۰	۰
	اظهار نشده	۵۷۹۵	۰	۰
	جمع کل	۳۴۰۶۵۷	۲۳۱۰۶۰	۶۹۳۴۷

مأخذ: نتایج سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵ و محاسبات نگارندگان

جریان های مهاجرتی میان استانی اصفهان به دیگر استان های کشور
در طی سال های ۸۵-۱۳۷۵



۴-۲ - توزیع مهاجرت ها در داخل استان اصفهان در طی سال های ۱۳۸۵-۱۳۷۵

در طول دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ جمعاً حدود ۳۴۲۰۱۳ نفر مهاجر وارد استان اصفهان شده اند که در همین فاصله نیز مهاجران خارج شده از استان افزایش یافته و به ۲۳۱۰۶۰ نفر بالغ گشته است. خالص مهاجرت استان در دهه منتهی به سال ۱۳۸۵ نیز حدود ۷۰۰۰۰ نفر بدست آمده است.

بدیهی است که توزیع این جابه جایی ها در سطح شهرستان های مختلف استان یکسان نبوده و همچنین مقایسه تطبیقی ویژگی های مهاجرت و تحرکات جمعیتی در شهرستان های استان در سال های سرشماری ۷۵ تا ۸۵ حاکی از وجود شرایط نسبتاً متفاوت در بین این مناطق می باشد.

همانطور که در جدول شماره (۲) ملاحظه می گردد، شهرستان آران و بیدگل حدود ۱/۴۲ درصد از مهاجران وارد شده و ۰/۵۹ درصد از کل مهاجران خارج شده به سایر شهرستان های استان و یا دیگر استان ها می باشند. مقایسه تعداد مهاجران وارد شده و خارج شده از شهرستان مبین مهاجر پذیر بودن شهرستان آران و بیدگل با خالص مهاجرتی ۴۶۱۳ نفر بوده است. در همین فاصله مهاجران وارد شده به شهرستان اردستان ۴۴۵۹ نفر معادل ۰/۹۰ درصد و تعداد ۵۹۲۶ نفر از شهرستان مزبور خارج شده اند. خالص مهاجرت این شهرستان منفی می باشد، در این صورت شهرستان اردستان مهاجر فرست بوده است.

در بین شهرستان های استان، شهرستان اصفهان به دلیل موقعیت خاص خود، بیشترین تحرکات جمعیتی را تجربه نموده است. به طوری که مهاجران وارد شده به این شهرستان ۲۰۷۵۸۰ نفر، در مجموع حدود ۴۲/۱ درصد از مهاجران وارد شده در استان در همین دوره می باشد. از ۲۲۷۸۳۶ نفر مهاجران خارج شده از شهرستان، بیش از ۵۲/۳ درصد مهاجران خارج شده استان را شامل می گردد.

مقایسه تعداد مهاجران وارد شده و خارج شده بیانگر این مطلب است که این شهرستان خالص مهاجرت ۲۰۲۵۶- نفر داشته و از این حیث مهاجر فرست بوده است. در این دوره مهاجران وارد شده به شهرستان اصفهان بیشتر از شهرستان های فریدن، لنجان، برخوار و میمه، نجف آباد و شهرضا می باشند و مهاجران خارج شده از شهرستان به دیگر شهرستان های استان عمدتاً برخوار و میمه، خمینی شهر و لنجان را انتخاب نموده اند.

مهاجران وارد شده به شهرستان برخوار و میمه نیز در این دوره به شدت افزایش یافته و به ۶۴۹۰۰ نفر رسیده است، به طوری که مقصد ۱۲/۸ درصد از مهاجران وارد شده استان در طی سال های ۷۵ تا ۸۵ این شهرستان بوده است. در حالی که ۱۲۱۲۱ نفر از این شهرستان خارج شده معادل ۲/۸ درصد از مهاجران خارج شده استان را شامل می شود. خالص مهاجرت شهرستان مزبور ۵۲۷۷۹ نفر

بوده است که به معنای مهاجر پذیر بودن منطقه می باشد و ۱۸/۹ درصد از کل جمعیت شهرستان را در سال ۸۵ شامل می شود.

براساس آمار ارائه شده در جدول شماره ۲، شهرستان های اصفهان با ۲۰۲۵۶-، فریدن با ۱۰۹۷۰-، سمیرم با ۷۳۰۷-، فریدونشهر با ۵۲۷۳-، خوانسار با ۳۴۲۶-، چادگان با ۳۰۰۵-، ناین با ۸۷۹-، نظنز با ۶۰۸- و تیران و کرون با ۲۶۰- نفر خالص مهاجرت منفی بیانگر مهاجر فرست بودن شهرستان های مزبور می باشد. لذا شهرستان اصفهان و فریدن از مهاجر فرست ترین شهرستان های استان بوده اند.

بررسی مهاجرت های درون استانی نشان می دهد، مهاجران خارج شده از شهرستان فریدن به مقصد شهرستان های دیگر استان عمدتاً شهرستان های اصفهان، خمینی شهر و نجف آباد را برگزیده اند و ۸۰ درصد مهاجران در این سه شهرستان مذکور اقامت اختیار کرده اند. ۳۳۹۰ نفر وارد شده به شهرستان نیز از شهرستان های اصفهان، فریدونشهر و نجف آباد بوده که ۷۴ درصد مهاجران را تشکیل می دهند.

مهاجران وارد شده به شهرستان خمینی شهر نیز در طی سال های مورد مطالعه به شدت افزایش یافته و به ۲۹۹۰۸ نفر رسیده است. در همین دوره، مهاجران خارج شده از این شهرستان ۱۰۲۲۹ نفر بوده اند. خالص مهاجرت شهرستان مذکور مثبت و معادل ۱۹۶۷۲ نفر برآورد گردیده است، و حاکی از مهاجر پذیر بودن این شهرستان می باشد. تعداد خالص مهاجران ۷/۶ درصد جمعیت شهرستان را تشکیل می دهند. مهاجران وارد شده به شهرستان، بیشتر از استان های تهران، خوزستان، چهار محال و بختیاری و فارس می باشد. از شهرستان های استان، اصفهان و فریدن سهم بیشتری از مهاجران درون استانی را تشکیل می دهند. همچنین مهاجران خارج شده از شهرستان بیشتر به سمت شهرستان های اصفهان، برخوار و میمه و نجف آباد می باشند.

بعد از شهرستان های یاد شده، به ترتیب شهرستان های شهرضا با ۵۲۹۶، فلاورجان با ۴۹۵۵، کاشان با ۲۸۶۰، گلپایگان با ۱۰۶۶، لنجان با ۱۱۵۵۱، مبارکه با ۵۶۱۱، نجف آباد با ۱۲۰۸۱ و سمیرم سفلی با ۳۲۵۲ نفر خالص مهاجرت مثبت به معنی مهاجر پذیر بودن شهرستان های مزبور می باشند. از نظر مهاجرت های درون استانی در شهرستان کاشان مهاجران وارد شده از شهرستان های اصفهان، آران و بیدگل و نظنز می باشد که در مجموع ۷۸ درصد از کل مهاجران وارد شده به این شهرستان را شامل می شوند. مهاجران خارج شده از شهرستان به مقصد سایر شهرستان های استان، شهرستان های آران و بیدگل (۳۳ درصد) و شهرستان اصفهان (۲۶ درصد) را برای سکونت انتخاب نموده اند.

مهاجران وارد شده به شهرستان لنجان از سایر شهرستان های استان از شهرستان های اصفهان، فلاورجان و نجف آباد می باشند. مهاجران خارج شده از شهرستان نیز عمدتاً شهرستان اصفهان با ۵۷ درصد مهاجران، نجف آباد با ۹ درصد و برخوار و میمه با ۸ درصد از مهاجران مقصد آنها می باشد.

مهاجران وارد شده به شهرستان سمیرم سفلی از شهرستان اصفهان (۵۱ درصد) شهرستان شهرضا (۲۲ درصد) و شهرستان سمیرم (۱۱ درصد) بیشترین سهم وارد شدگان به این شهرستان را داشته اند. مهاجران خارج شده از شهرستان، عمدتاً شهرستان های شهرضا با (۴۲ درصد) و اصفهان با (۳۶ درصد) را انتخاب کرده اند.

جدول شماره (۲) مهاجران وارد شده و خارج شده، شهرستان های استان اصفهان در سال های

۱۳۸۵-۱۳۷۵

شهرستان	تعداد مهاجران وارد شده	تعداد مهاجران خارج شده	خالص مهاجران	درصد مهاجران وارد شده	درصد مهاجران خارج شده
آران و بیدگل	۷۱۹۶	۲۵۸۳	۷۰۲۹۴	۱,۵	۰,۶
اردستان	۴۴۵۹	۵۹۲۳	۴۶۱۳	۰,۹	۱,۴
اصفهان	۲۰۷۵۸۰	۲۲۷۸۳۶	-۱۴۶۴	۴۲,۱	۵۲,۳
برخورار و میمه	۶۴۹۰۰	۱۲۱۲۱	-۲۰۲۵۶	۱۲,۵	۲,۸
تیران و کرون	۴۹۰۷	۵۱۶۷	۵۲۷۷۹	۰,۹	۱,۲
چادگان	۱۰۰۲	۴۰۰۷	-۲۶۰	۰,۲	۰,۹
خمینی شهر	۲۹۹۰۸	۱۰۲۲۹	-۳۰۰۵	۵,۹	۲,۳
خوانسار	۲۵۱۱	۵۹۳۷	۱۹۶۷۹	۰,۵	۱,۴
سمیرم	۵۷۴۷	۱۳۰۵۴	-۳۴۲۶	۱,۱	۳,۰
سمیرم سفلی	۵۵۲۷	۲۲۷۵	-۷۳۰۷	۱,۰	۰,۵
شهرضا	۲۳۳۹۸	۱۸۱۰۲	۳۲۵۲	۴,۴	۴,۲
فریدن	۵۷۹۱	۱۶۷۶۱	۵۲۹۶	۱,۱	۳,۸
فریدونشهر	۳۵۹۴	۸۸۶۷	-۱۰۹۷۰	۰,۷	۲,۰
فلاورجان	۱۶۸۴۱	۱۱۸۸۶	-۵۲۷۳	۳,۶	۲,۷
کاشان	۲۷۵۶۱	۲۴۷۰۱	۴۹۵۵	۵,۸	۵,۷
گلپایگان	۱۱۶۷۳	۱۰۶۰۷	۲۸۶۰	۲,۱	۲,۴
لنجان	۲۷۳۸۶	۱۵۸۳۵	۱۰۶۶	۵,۱	۳,۶
مبارکه	۱۳۳۲۲	۷۷۱۱	۱۱۵۵۱	۲,۶	۱,۸
نابین	۷۰۰۱	۷۸۸۰	۵۶۱۱	۱,۳	۱,۸
نجف آباد	۳۱۶۰۹	۱۹۵۲۸	-۸۷۹	۶,۰	۴,۵
نطنز	۳۸۲۳	۴۴۳۱	۱۲۰۸۱	۰,۸	۱,۰
استان اصفهان	۵۰۵۷۳۶	۴۳۵۴۴۲	-۶۰۸	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: نتایج سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵ و محاسبات نگارندگان

۵- نتایج و رهیافت ها و راهکارها

۱- مقایسه شهرستان های مختلف استان از حیث ویژگی های مهاجرت، بیانگر وجود شرایط نسبتاً متفاوت در این مناطق می باشد. مهاجران وارد شده به شهرستان برخوار و میمه در طی دوره مورد بررسی رشد قابل ملاحظه ای داشته است. در حالی که این افزایش در شهرستان های سمیرم، اردستان و گلپایگان کندتر بوده است.

۲- از مجموع ۵۰۵۷۳۶ نفر مهاجر وارد شده استان در طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ مقصد ۴۱ درصد آنها شهرستان اصفهان بوده است. شهرستان های برخوار و میمه، نجف آباد و خمینی شهر نیز به ترتیب در رتبه های بعدی جای گرفته اند. در حالی که شهرستان چادگان، خوانسار، فریدونشهر و فریدن سهم ناچیزی از مهاجران وارد شده در استان را به خود اختصاص داده اند.

۳- از مجموع ۴۳۵۴۴۱ نفر مهاجر خارج شده از استان، در دوره ۸۵-۱۳۷۵، بیشترین میزان مربوط به شهرستان های اصفهان، کاشان و نجف آباد و کمترین سهم متعلق به شهرستان های سمیرم سفلی و آران و بیدگل بوده است.

۴- تأمل در خالص مهاجرت شهرستان های استان در دوره ۸۵-۱۳۷۵ نشان می دهد، تعداد ۱۱ شهرستان خالص مهاجرت مثبت داشته و در واقع مهاجر پذیر بوده اند. در این میان شهرستان برخوار و میمه از لحاظ میزان مطلق خالص مهاجرت، بیشترین میزان مهاجر پذیری را به خود اختصاص داده است. شهرستان های خمینی شهر، نجف آباد و لنجان در رتبه های بعدی قرار گرفته اند، لذا می توان اذعان نمود که به جز شهرستان اصفهان مناطق صنعتی استان عمدتاً مهاجر پذیر بوده اند.

۵- ده شهرستان استان شامل اصفهان، فریدن، سمیرم، فریدونشهر، چادگان، خوانسار، اردستان، ناین، نطنز و تیران و کرون مهاجر فرست بوده که در این میان شهرستان اصفهان و فریدن در مقام اول و دوم جای گرفته و به عنوان مهاجر فرست ترین شهرستان های استان اصفهان در فاصله سال های ۸۵-۱۳۷۵ شناخته شده است. لذا می توان اظهار داشت که مناطق کوهستانی و حاشیه کویر استان که عمدتاً نیز به فعالیت های کشاورزی اشتغال دارند، مهاجر فرست می باشند.

۶- شهرستان اصفهان در فاصله سال های ۸۵-۱۳۷۵ علیرغم این که سهم بالایی از مهاجران وارد شده و خارج شده استان را به خود اختصاص داده، لیکن موازنه مهاجرت منفی داشته است. با عدم احتساب مهاجران وارد شده از خارج از کشور این شهرستان موازنه مهاجرت ۲۰۲۵۶- نفر داشته است.

نتایج یافته های این تحقیق نشان می دهد که پدیده مهاجرت عمدتاً تأثیرات قابل ملاحظه ای را بر جوامع شهری داشته است. در راستای تنظیم رشد، اصلاح ساختار، ترکیب و نظارت حرکات

جمعیت و پیشگیری از پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی آن پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- تأمین نیازهای اساسی مهاجران با توجه به خصوصیات اجتماعی و فرهنگی آن‌ها.
- توزیع عادلانه امکانات و تسهیلات و ارتقاء سطح زندگی مردم در بین شهرستان‌های استان.
- ایجاد امکانات و فرصت‌های شغلی مناسب برای مهاجران و جوانان به منظور کاهش مشاغل کاذب در سطح شهرستان‌های مهاجرپذیر.
- تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید هر یک از شهرستان‌های مهاجر فرست استان.
- جلوگیری از تمرکز سرمایه‌گذاری در قطب‌های شهری، صنعتی و کشاورزی و برنامه‌ریزی در نواحی اطراف و افزایش شاخصهای توسعه در شهرهای کوچک و متوسط، که این امر از تراکم مهاجران به شهرها خواهد کاست و توزیع جمعیت را در سطح استان‌ها متعادل‌تر خواهد کرد.

۷- منابع

- اصلانی، مجتبی (۱۳۸۵)؛ بررسی روند مهاجرت در جمهوری اسلامی ایران طی سه دهه اخیر...، فصلنامه جمعیت شماره ۵۶ و ۵۵.
- اکبری فنجی، نظام (۱۳۸۲)؛ مهاجرت و سازگاری، شیراز، انتشارات نوید.
- بیگ محمدی، حسن (۱۳۷۸)؛ تحلیل جغرافیای تحول جمعیت استان اصفهان و تأثیر آن بر نظام شبکه شهری، پایان نامه دکتری، رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، گروه جغرافیا، دانشگاه اصفهان.
- بیگ محمدی، حسن (۱۳۷۷)؛ روند مهاجرت در استان اصفهان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره پانزدهم.
- پناهی، لیلا و پیشرو، حمد ا... (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت جوانان روستایی به شهر، مطالعه موردی: روستاهای بخش مرکزی شهرستان مرودشت، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال اول، شماره ۲.
- تقوی، م (۱۳۵۷)؛ شهرنشینی در ایران، تهران، یساولی.
- سجادی، ژیلا و دیگران (۱۳۹۰)، تحلیلی بر مهاجرتهای روستایی - شهری با تأکید بر نقش مسافت و دسترسی (مورد: شهرستان ممسنی)، مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال دوم، شماره هشتم.
- ربانی، رسول (۱۳۸۵)؛ جامعه شناسی شهری، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ دوم.
- زاهد، سید سعید و خورشیدی، فریبا (۱۳۹۰)، بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی - جمعیتی مؤثر بر رضایتمندی از مهاجرت به شهر نورآباد ممسنی، مجله جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و دوم - شماره پیاپی (۴۲) - شماره دوم.
- زنجانی، حبیب الله (۱۳۸۰)؛ مهاجرت، تهران، انتشارات سمت.
- زنجانی، حبیب اله (۱۳۷۸)؛ تحلیل جمعیت شناختی، انتشارات سمت، چاپ دوم، تهران.
- کشتکار، مرتضی (۱۳۸۵)؛ مهاجرت بین استانی و باز توزیع جمعیت در ایران طی سال های ۱۳۶۵-۱۳۷۵، فصلنامه جمعیت شماره ۵۶ و ۵۵.
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸)؛ نظریات مهاجرت، دانشگاه شیراز، شیراز، انتشارات نوید.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)؛ سرشماری عمومی نفوس و مسکن، نتایج تفصیلی کل کشور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)؛ نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان اصفهان
- مشهدی زاده، ناصر (۱۳۷۳)؛ برنامه ریزی شهری در ایران، تهران، دانشگاه علم و صنعت.

- معصومی اشکوری، سید حسن (۱۳۷۶)؛ اصول و مبانی برنامه ریزی منطقه ای، ناشر مؤلف صومعه سرا.
- مهدوی، مسعود (۱۳۸۱)؛ اصول و مبانی جغرافیای جمعیت، نشر قومس، چاپ چهارم.
- نوری زمان آبادی، سید علی اکبر (۱۳۸۶)؛ ایران، استان اصفهان، چشم اندازهای سرمایه گذاری، انتشارات علم آفرین، چاپ اول.